گزارش; گزارش اجمالي نشست «نقد و بررسي تبليغ سنتي زنان»

نهادهاي تبليغي مي­بايست نسبت به مسائل زنان حساس باشند

گزارش اجمالي نشست «نقد و بررسي تبليغ سنتي زنان»

نشست «نقد و بررسي تبليغ سنتي زنان»، آذرماه 89، از سوي دفتر مطالعات و تحقيقات زنان در شهر قم و با حضور برخي از مسئولان نهادهاي علمي و تخصصي، نهادها و دستگاه‌هاي فرهنگي- اجرايي و پژوهشگران حوزة مسائل زنان، برگزار شد. در اين نشست ميزگردي تخصصي با حضور دکتر محمد تقي کرمي، عضو هيئت علمي دانشگاه علامه طباطبايي، فريبا علاسوند، عضو هيئت علمي دفتر مطالعات و تحقيقات زنان، دکتر مهدي منتظر قائم، عضو هيئت علمي دانشگاه تهران و معصومه ظهيري، عضو هيئت علمي جامعه‌الزهراء و مدير گروه مطالعات زنان و خانواده جامعه المصطفي قم، برگزار شد. گزارش مختصري از اين نشست تقديم خوانندگان عزيز مي‌شود.

در ابتداي جلسه، دکتر مهدي منتظرقائم، اولين اقدام در بررسي جلسات تبليغي را سنخ‌شناسي اين محافل از نظر شدّت و حدّت و فراواني و ميزان اثرگذاري دانست و گفت: به دليل نبود اطلاعات و دانش تحقيقي، سياست‌گذاري‌ها نبايد ناظر به گذشته باشد. بلکه بايد سياست‌گذاري‌ها با عصر حاضر تطبيق داده شود؛ توجه به سنخ‌شناسي اين جلسات و توجه به کارکردهاي آن، از قبيل انتقال اطلاعات به صورت افقي و‌ کارکرد آموزشي، از موارد پراهميّت است. گاهي تصور مي‌شود که کارکرد اين جلسات، فقط کارکرد تبليغي است و مي‌توان، مخاطبان را بدون ارائة دانش لازم از مباحث ديني، به صورت مديريت مناسک ديني، هدايت کرد تا رفتارهايي را که ما ديني تلقّي مي‌کنيم، آنها از خود بروز دهند. آموزش ديني نبايد از تبليغ جدا شود، زيرا آموزش ديني به معناي محتواي عالمانه، مدبّرانه و تدقيقي است که در آن دانش فعلي مخاطب، سنجيده مي‌شود و سخنران خود را در خدمت مخاطب، قرار مي‌دهد.

وي در ادامة سخنانش افزود: از شاخص‌هاي دنياي مدرن اين است که روابط از حالت اقتدار، تهي مي‌شود، يعني نسل جديد و نسل معاصري که در فضاي اشباع رسانه‌اي بزرگ شده‌اند، قدرتي را نمي‌پذيرند در حاليکه زماني معلم در کلاس، مرجع اقتدار بود، يعني هم ابزار دانش را در اختيار داشت و هم ابزار تعليم و تربيت جامعه‌پذيري را، اما در جامعة جديد، افراد، اين مدل‌ها را از جاهاي مختلف مي‌گيرند. حتي در مدل‌هاي تبليغي، الگوي خاصي را دنبال مي‌کنند، بنابراين، سخنران بايد بداند که مخاطبانش چه هدفي را دنبال مي‌‌کنند و اگر اين را نداند و در قالب همان هدف رفتار نکند، موفق نخواهد شد. بنابراين سنخ‌شناسي و شناخت کارکرد اين جلسات، اهميت بسيار دارد؛ در مباحثي که اکنون در زمينة محافل مذهبي مطرح مي‌شود،‌ سه مؤلّفه، مطرح است: سخنران،‌ شرکت‌کنندگان و محتوا. اما به نظر مي‌رسد که بايد عنصر ديگري را نيز وارد کنيم که در ايجاد تعامل بين سخنران و مخاطب و حتي در تعيين محتوا و شيوة ارائة مسائل بسيار تأثيرگذار است و آن برگزارکنندگان اين جلسات هستند. برگزارکنندگان اين جلسات، ادارات و سازمان‌ها يا افراد و مردمان عادي هستند که منزل خود را در اختيار اين مجالس قرار مي‌دهند. آنها واسطة ميان مخاطبان و سخنرانان هستند. اين گروه هم بايد مورد ارزيابي قرار گيرند و اثري که بر اين جلسات مي‌گذارند، مورد بررسي قرار گيرد.

 در ادامة اين نشست، فريبا علاسوند، عنوان کرد: وجود عناصري مانند وجه عاطفي، اخلاق زنانه و اهميت وجود گروهي که بتواند از خواسته‌هاي ديني و اخلاقي زنان و دختران، حمايت کند تا اين قشر براي انجام وظايف ديني، در جامعه احساس تنهايي نکنند،‌ وجود شبکه‌ها يا جلسات مذهبي را داراي اهميت ويژه‌اي مي‌کند. به نظر وي، وجود اوقات فراغت در ميان زنان خانه‌دار در ارتباط با اين جلسات هم فرصت است و هم تهديد. جنبة فرصت حضور در مجالس مذهبي،‌ علاوه بر تبادل اطلاعات در خصوص اخلاق،‌ معاد و مذهب، بهترين گزينه براي گذران اوقات فراغت زنان خانه‌دار نيز هست، اما اگر اين مجالس فقط تبديل به گذران اوقات فراغت شوند و باعث شود زنان از وظايفشان غافل شوند،‌ آنگاه شرکت در اين مجالس، آسيب‌ تلقي مي‌شود. اين جلسات باعث مي‌شود که افراد از فضاي اشباع‌شده‌اي که رسانه ايجاد مي‌کند، خارج ‌شوند و چون رسانه‌ها يک جريان حس‌گرا، تخيل‌محور و آرزوپرور ايجاد مي‌کنند؛ طبيعتاً‌ همه در اين فضا درگير مي‌شوند و زنان هم به دليل خلقياتشان، بيشتر تحت‌تأثير اين عناصر قرار مي‌گيرند، در جريان امر تبليغ بايد اين ويژگي‌ها در نظر گرفته شود.

وي افزود: علي‌رغم گسترش جلسات مذهبي ما با کمي مبلغان مواجهيم، زيرا با توجه به جمعيت جوان کشور، با بررسي اجمالي، مشخص مي‌شود که بالغ بر 20 ميليون زن جوان در کشور زندگي مي‌کنند که اگر با اين افراد، گفتگوي مذهبي صورت بگيرد، مي‌توان يک کار تبليغي بزرگ و رسمي انجام داد، لذا اگر بانوانِ متصدّي امر تبليغ، بتوانند در هر سال، 500 نفر را تعليم دهند، با اين حساب، حداقل به 40 هزار نفر مبلغ حرفه‌اي نياز داريم.

وي مشغول شدن بزرگان و فضلاي حوزه در امور پژوهشي و حضور در پژوهشگاه‌ها يا دانشگاه‌ها و يا تدريس و به‌خصوص الگوگيري اين مراکز از برنامه‌هاي درسي مدرن را از معضلات حوزة تبليغ، ارزيابي کرد.

جلسه با سخنان دکتر محمد تقي کرمي، ادامه يافت. وي در ادامة نشست جلسات تبليغي زنانه، به تيپ‌شناسي و گونه‌شناسي جلسات زنانه پرداخت و گفت: در جلسات زنانه و ساير نهادهاي اجتماعي، هميشه تغيير از کلان‌شهرها آغاز مي‌شود. لذا بايد ديد، کدام تغييرات اجتماعي در جلسات زنانه در حال رخ ‌دادن است، در توصيف تغيير وضعيت مجالس زنانه، که من اصل تغيير را پيش‌فرض گرفته‌ام، تغيير در اين جلسات، تابعي از تغييرات کلان اجتماعي است، يعني مجالس مردانه و مناسک عبادي عرفاني شخصي چون اعتکاف نيز در حال تغيير است. اصل تغيير بايد در پارادايم کلانِ کلان‌شهرها بررسي شود. جلسات زنانه به تبع جلسات مردانه در حال تغييراتي هستند که منجر به رواج منسک‌گرايي و صورت‌گرايي[1] مي‌شود و غلبة کنش جمعي بر ساير کنش‌هايي که ما از جلسات تبليغي انتظار داريم، رخ مي‌دهد، اين واقعيات بايد تفهيم و تفسير شود، گاه اين جلسات بيشتر به هدف ايجاد سرمايه اجتماعي، حفظ آن و تبديل سرمايه اقتصادي به سرمايه اجتماعي تشکيل مي‌شوند.

در خصوص کارکردهاي اين جلسات، دکتر کرمي به تنهايي انسان مدرن و تأمين سرمايه اجتماعي از طريق جلسات مذهبي اشاره کرد و يکي از کارکردهاي مهم اين جلسات را، تقويت هويت‌هاي حاشيه‌اي و قومي دانست. وي اجتماعي شدن زنان و فرزندانشان در اين مجالس را از ديگر کارکردهاي اين جلسات ارزيابي کرد.

دکتر «کرمي» سپس در خصوص آسيب‌‌هاي جلسات مذهبي افزود: اين جلسات، گاهي دچار يک پراگماتيسم راديکال از قبيل رفع مشکلاتي مثل از بين بردن اختلاف ميان همسران، غلبه بر دشمنان و برآورده شدن حاجات، به‌واسطه ادعيه و اوراد مي‌شوند، انحراف در آموزش‌ مفاهيم ديني، از قبيل حرف‌هاي التقاطي زدن، که باعث ارائة تصوير کاريکاتوري از دين و معارف مي‌شود و هم ايجاد يک نوع فرماليسم و منسک‌گرايي به جاي گوهر دين، باعث انحراف از دين مي‌شود. وي يکي ديگر از آسيب‌ها را رواج اسراف و تجمل و تشکيل طبقة اقتصادي ديني دانست.

«معصومه ظهيري» نيز پس از دکتر «محمد تقي کرمي» سخنان خود را آغاز کرد و گفت: امر تبليغ تنها خاص زنان يا مردان نيست بلکه رسالت بزرگ انبياء است. «ما علي الرسول الّا البلاغ»، اين موضوع از سه جهت قابل بحث است: بحث شکلي، محتوايي و محيطي.

وي در حاشيه‌ قرار دادن بانوان، کمبود امکانات رفاهي براي آنان، عدم پرداختن به مسائل ضروري زنان، ‌عدم دسترسي مخاطبين خانم به مبلغين و عدم امکان ارتباط دائم بين مخاطبين و مبلغ مرد را از دلايل گسترش جلسات زنانه دانست، اما نبود يک نهاد براي سازماندهي اين جلسات، تبديل جلسات مذهبي به جلسات ميهماني و اعمال سليقه‌هاي شخصي به شکلي که بيشتر جلب توجه کند و مزاحمت‌هايي که براي همسايگان ايجاد مي‌کند، مشکل برگزاري نذورات، مثل نذر صلوات فرستادن، قرباني‌کردن و اداي برخي نمازها و ادعيه به صورت دسته‌جمعي و همچنين نياز به تشکيل اين جلسات را از آسيب‌هاي اين جلسات دانست.

وي عنوان کرد: رابطة محتواي ارائه شده با مخاطبين لحاظ نمي‌شود و گاهي مطالبي که ارائه مي‌شود،‌ بدون استثناء صحيح است.

معصومه ظهيري، در ادامه و در بيان آسيب‌هاي جلسات مذهبي به نبود آموزش تخصصي در کنار تزکيه، اخلاق‌محوري و موعظه اشاره کرد و افزود، خلأ نهادي که بتواند متولّي محتواي اين جلسات باشد، باعث شده نوعي افسانه‌گرايي و پرداختن به تخيل و داستان‌هاي غير واقعي، که در رسانه‌ها نيز وجود دارد، در اين جلسات پيش آيد.

وي در ادامه گفت: استفاده از ابزارها و موسيقي‌هاي مختلف در جلسات از جمله آفت‌هايي است که جلسات زنانه را تحت‌الشعاع خود قرار مي‌دهد.

در خاتمه فريبا علاسوند، نيز بر لزوم مرکزي که بتواند متولّي نظارت بر اين محافل باشد و در يک برنامه و استراتژي آينده‌نگر، اين آسيب‌ها را بررسي کند، تأکيد کرد. وي در ادامه براي برون‌رفت از آسيب‌هاي جلسات زنانه، ‌اين پيشنهاد را مطرح کرد که نهادهاي ديني که به امر تربيت مبلغ مي‌پردازند، بايد نسبت به بحث زنان در اسلام و خانواده حساس باشند و تناسب جنسيتي ميان سخنران و محتواي جلسات رعايت شود.

وي در ادامه گفت: ما در داخل و خارج از کشور نيازمند ارائة نظر خاص نسبت به مسائل زنان هستيم و اين بحث کماکان سوژة مهمي است، نهادهاي تبليغي چه بخواهند و چه نخواهند بايد نسبت به مسائل زنان حساس باشند. وجود يک استراتژي آينده‌نگر که مشخص کند که دقيقاً‌ چه تغييراتي در حال وقوع است و بعد بر اساس آن تغييرات، برنامه‌ريزي محتوايي براي تبليغ انجام شود، ضروت دارد؛ مسئله‌ دوم فرهنگ‌سازي آگاهانه در باب مسائل زنان است، مثلاً اگر جامعة ما در خصوص مسئلة غيرت، گرفتار بحران است،‌ بايد يک جريان تبليغي، ناظر به اين مسئلة اخلاقي شکل بگيرد؛ رصد فرهنگي براي ساخته شدن يک جريان فرهنگي به‌خصوص در مسائل زنان که باعث ايجاد يک جريان بزرگ دانشي هدفمند در جامعه مي‌شود؛ استفاده از پتانسيل اين جلسات براي هنجارسازي؛ ايجاد ارتباطات شبکه‌اي بين بانوان مبلغ،‌ به منظور تبادل اطلاعات و تجربه بين آنها و ايجاد يک نهاد متولّي براي حمايت و پشتيباني علمي و جلوگيري از سوء استفاده‌هاي علمي.

[1] . formalism